

مشکلات مالکیت و خصوصی سازی در روسیه

قسمت دوم

مرحله فعلی خصوصی سازی (1994-1996):

بنا بر کمیته مدیریت دولتی تا سال 1996 بالغ بر 118800 شرکت دولتی خصوصی شده است. (7 / 56 درصد) و 27800 شرکت سهامی به ثبت رسیده و در سال 1995 60 درصد تولید ناخالص داخلی مربوط به بخش خصوصی بوده است. باید توجه داشت که ارقام تقریبی بوده و در تضاد با ارقام سایر منابع می باشد. از آن پس آهنگ خصوصی سازی کند تر شده و دلیل آنهم اینست که خصوصی سازی اموال دولتی کاملاً محقق گردیده بود. تنها چند واحد غیر عادی باقی مانده و در ضمن تب کمی فروکش کرده و پس از اشتباهات پیاپی که انجام شده وقت آنست که به کارها نظم داده شود. اکنون زمان بهبود وضع حسابداری و حسابرسی و بررسی مجدد چهارچوب اولیه خصوصی سازی و تصحیح آن است و نیز لازم است محدودیت هائی که قانون گزاران بر خصوصی سازی شرکت های باقیمانده دولتی اعم ال کرده اند مورد بررسی قرار گیرد و هم چنین نظارت و حمایت بعد از خصوصی سازی بر شرکت ها اعمال گردد. حراج ها سروسامان گیرد و مشکلات ناشی از اعمال غیر قانونی انجام شده در جریان خصوصی سازی به خصوص توسط مقامات محلی حل گردد.

اصرار مجلس روسیه بر بررسی مجدد شرکت های بزرگ خصوصی شده قابل درک است به خصوص که ابهام های زیادی در مورد ارزش گذاری آن وجود دارد. اعمال غیر قانونی و زد و بندهای پشت پرده با خارجیان و بخصوص تصاحب غیر قانونی سهام شرکت های وابسته به صنایع دفلیعی از موارد مهم پیگیری دومای روسیه بود. بسیاری از موارد شکل ساز قانون گذاری و خلاف کاری ها در خصوصی سازی در مراحل شن اسائی و حراج واحدها صورت گرفت. ضعف های زیادی در مورد قانون اجاره (مخصوصاً حق خرید کسب و کار) و قراردادهای مربوط به آن وجود داشت و مدارک زیادی به دست آمد که نشان می داد خلاف های متعددی در عقد قرار د ادها انجام شده بود. این قرار دادها از طریق لابی کردن مقامات کمیته اموال دولتی و یا نمایندگان محلی آنان منعقد شده بود. در موارد متعدد دیگری مدیران به نفع خود

در تملک واحدها وارد عمل شده و عموماً از طریق ارزیابی بسیار بالای خدمات خود و یا ارزش گذاری غیر واقعی بر موسسات سوء استفاده های کلانی مرتکب شده بودند.

این حقیقت که در این مرحله تنها می توان با پول واحدهای تولیدی را خرید، خود از مشخصه های بارز این دوره خصوصی سازی است. اما این امر سبب گسترش خصوصی سازی نمی شود زیرا که ثروت های به دست آمده توسط طبقات نوک پسته ثروتمند به خارج می رود و سرمایه گزاران خارجی نیز منفعت چندانی در روسیه نمی بینند.

بی پولی دامنگیر مردم روسیه شده بود و پشتوانه پولی تولید خالص داخلی از 76 درصد در سال 1991 به 5 / 8 درصد در سال 1995 سقوط کرد و سبب شد که ارزش روبل به یک دهم و حتی به یک دوازدهم کاهش یابد.

فعالیت های سرمایه گذاری در رابطه با خصوصی سازی را می توان در کوششهای سازمان بودجه املاک دولتی، برای جلب سرمایه های روسی و خارجی به منظور خرید سهام دولت در کارخانجات مشاهده کرد.

سازمان بودجه املاک دولتی و مدیریت های محلی آن مزایده های متعددی برای سرمایه گذاری و فروش بر گزار کردند. در سال 1993-1995 صدو بیست پنج مزایده انجام شد که 121 آن مربوط به سرمایه گذاری بود. جمعاً یک میلیارد و چهارصدو بیست و شش روبل و 10499 میلیون دلار جذب شد. شرکت های خارجی و سرمایه گذاری مشترک 21 مزایده را برنده شدند (17 درصد از کل) در سال 1994 بیست و سه مزایده تنها با مشارکت یک کمپانی بر قرار شد که البته بعداً این گونه مزایده ها ممنوع شد.

بررسی های سازمان بودجه املاک دولتی در زمینه خصوصی سازی نقض قرار دادهای زیادی را روشن کرد. از آن جمله تاخیر در پرداخت مبالغ سرمایه گذاری بر طبق قرار داد بود، این تخلفات شامل نیمی از قرار دادهای می شد. از جمله قرار دادهای مربوط به شرکت های بزرگی مانند " صنایع آلومینیوم براتسک" " اوتوواز" " لوله سازی ولژسکی" " استاور پلمیر".

بر اساس داده های سازمان بودجه املاک دولتی، تا اوائل سال 1996 سرمایه گزاریهای مربوط به 125 قرار داد عملاً تکمیل شده بود که 53 درصد آن روبلی و 47 درصد دلاری بود.

بررسی مزایده ها نشان می دهد که شرکت کنندگان بیشتر گروه محدودی از بانکها هستند که برای خرید، روش های نامناسبی را پیش می گیرند. در مواردی از شرکت آنها در مزایده ها جلوگیری به عمل آمد.

سازمان و روش های عملی برای جذب سرمایه در روسیه بسیار ابتدائی است . سرمایه گزاران و واسطه ها از طریق متخصصین سرمایه گذاری عمل نمی کنند و نیازهای اولیه برای سرمایه گذاری را رعایت نمی نمایند.

در ژوئن 1995 سازمان بودجه املاک دولتی اقدام به فروش سهام دولت در شرکتهای خصوصی شده نمود . سهام شرکت های عمده در سرتاسر روسیه در حراج های تخصصی به فروش رسید . اگر چه هرگز میزان فروش اعلام نشد.

کمیته اموال دولتی بسیاری از شرکتهای سود ده مانند صنایع نفت و شیمیائی و حمل و نقل هوائی ، دریائی و صنایع چوب را نیز به معرض فروش گذاشت. برنامه زمانی برای فروش 136 شرکت که مشتاقان فراوانی برای سرمایه گذاری داشت تنظیم شد. از 57 مورد عرضه شده برای فروش 16 مورد آن به فروش نرسید و هیچ اطلاع رسانی بعدی هم در مورد آن انجام نشد.

بسیاری از کارشناسان اعتقاد دارند که از نظر اقتصادی این گونه رویکرد برای خصوصی سازی معنی نمی دهد. سازمان اموال دولتی 8890 مورد در سال 1995 فروش انجام داد. ارزش رسمی مجموع سهام عرضه شده برای فروش 155 میلیارد روبل بود ولی ارزش رسمی سهام که عملاً به فروش رسید 67/6 میلیارد یعنی 43/6 درصد بود. در مجموع در آغاز سال 1996 مجموعه فروش دولت از محل شرکتهای دولتی و شهر داری ها 3/596 میلیارد روبل بود که 1/105 میلیارد آن به خزانه واریز شد.

علیرغم آهنگ سریع خصوصی سازی ، در آمد دولت از محل آن برای بودجه دولت قابل اتکا نبود. به عبارت دیگر هدف های مالی خصوصی سازی محقق نشد . در آمد دولت از محل خصوصی سازی در سال های 1993-1994 تنها 4%-2% تولید ناخالص ملی و 13%-16% بودجه دولت را شامل می شد . براساس داده های وزارت خزانه داری ، در آمد دولت از محل خصوصی سازی در سال 1992 39/6 میلیارد روبل و در 1993 66/3 میلیارد روبل و در سال 1994 116/28 میلیارد روبل و در سال 1995 286 میلیارد روبل بوده است. انتظار دولت برای اینکه در آمد حاصله از خصوصی سازی، کسر بودجه را کاهش داده، و توازن مالی به وجود آورده و نیز کمکی برای گسترش و توسعه رفاه اجتماعی باشد بر آورده نشد . هدف های دولتی برای در آمد های غیر مالیاتی از طریق خصوصی سازی نیز تحقق نیافت . ولی از طریق فروش واحد های دولتی تامین شد . 95% در آمدهای دولت از فروش واحدهای دولتی بدست آمد . البته نتایج حراج های دولتی در این محاسبات منظور نشده است.

پیش بینی درآمدهای مالی خصوصی سازی به 38/84 درصد بر طبق قانون مارچ 1995 و 71/21 درصد بر طبق قانون دسامبر 1995 محقق شد که نصف هدف های پیش بینی شده بود. این ارقام شامل حراج های وثیقه ای نیز می شود گرچه بطور اصولی فروش این گونه حراج ها می باید در ستون بدهیها منظور شود. با احتساب این ارقام در رده بدهی ها در حقیقت درآمدهای خصوصی سازی تنها 3/26 درصد است. این حاصل توانائی های واحدهای دولتی مسئول خصوصی سازی در مورد هدف های از قبل اعلام شده خود، بود.

2-3 اصول قانونی خصوصی سازی در روسیه

نتایج خصوصی سازی در روسیه تا حدود زیادی بستگی به پشتیبانی قضائی و عمدتاً چهار چوب قانونی شامل اجرای مصوبه های قوه قانون گذاری و برنامه ریزی دولتی برای روشهای اجرائی و راهکارهای خصوصی سازی دارد.

خصوصی سازی در روسیه بر مبنای قوانین تصویب شده، قوانین رئیس جمهوری و نیز احکام دولتی اجرا شد. برخی از جنبه های خصوصی سازی نیز با توجه به قوانین مدنی (نوامبر 1994) و تاسیس شرکت های مشترک (1995) عملی شد. پس از اختلاف بین رئیس جمهوری و دوما در سال 1993 تائید و اجرای قوانین خصوصی سازی بر اساس احکام قوه مجریه انجام شد. مجلس جدید که در سال 1995 گشایش یافت در مورد خصوصی سازی های انجام شده بطور جدی پیگیری نمود و بر اساس دو مصوبه پی در پی حساب رسی در مورد نتایج را خواستار شد و اختلاف بین دولت و مجلس کماکان ادامه یافت.

بررسی هایی که توسط متخصصین در مورد اجرای خصوصی سازی در چهار چوب قانونی انجام گرفت نشان داد که اولاً به هدف های تعیین شده در برنامه های دولت نرسیده است. ثانیاً کل برنامه ها دارای تناقض درونی است. ثالثاً بطور کلی به لحاظ قانونی تخلف صورت گرفته است. روال جاری اجرای قوانین جای خود را به قوانین ریاست جمهوری بر اساس پیشنهاد های بخش های مختلف قوه مجریه داده است که در بسیاری موارد اجرا هم نشده است. بسیاری از این موارد که توسط بخش های مختلف دولتی به اجرا در آمده است نه تنها به نظر مقامات بالاتر نرسیده که حتی به لحاظ قانونی با وزارت دادگستری هم هماهنگ نشده بود و این مسئله منجر به اعلام جرم دادستانی کل کشور در مورد غیر قانونی بودن بعضی از نقل و انتقالات و بخصوص حراجهای وثیقه ای شد.

فهرست بلند بالای نارسائی های خصوصی سازی که توسط م تخصصین تهیه شده است هم اکنون در دسترس است . ولی اجازه بدهید مواردی که به صنایع فدراسیون روسی ه بر میگرددمورد بحث قرار دهیم . اول آنکه خصوصی سازی شامل سرمایه های علمی و تکنولوژی مدرن نمی شد. هیچ مکانیزمی برای مدیریت اموال دولتی طراحی نشده بود. نقش اموال و شرکت های وابسته به دولت در استقلال ، امنیت و دفاع کشور نیز تعریف نشده بود. هیچ ایستنی را نمی توان یافت که صنایع دفاعی و یا استراتژیکی را که به امنیت ملی بستگی دارد از خصوصی سازی مستثنی کرده باشد.

در سالهای 1992-95، 1115 واحد صنایع نظامی به صورت شرکتهای سهامی در آمدند که حدود 20% آنها عملا ورشکسته بودند . در فاصله سالهای 1992-1994 از 1666 شرکت مهندسی، 1389 شرکت به صورت سهامی درآمدند و به دنبال آن تولید 11/5 درصد در سال 1992 و 14/9 درصد در سال 1993 و 43/9 درصد در سال 1994 کاهش یافت.

هیچ گونه تمهیدی اگر چه موقت برای حمایت از استقلال ملی و حقوق سوداگر ان روسی در نظر گرفته نشده بود . تنها محدودیت موثری که برای کمپانی های خارجی منظور شده بود در بخش سوخت و نیرو و نیز کشف فلزات گرا نبها و مواد رادیو اکتیو بود. در عین حال هیچگونه مقرراتی برای کنترل خرید انحصاری با استفاده از سرمایه خارجی برای خرید سهام واحدهائی که اهمیت استراتژیک برای روسیه داشتند وضع نشده بود و در نتیجه به عنوان مثال صنایع آلومینیوم روسیه تقریبا بطور کلی در انحصار سرمایه خارجی می باشد . مثال دیگر مربوط به صنایع هوا نوردی روسیه است که شرکت های امریکائی از طریق تاسیس شرکت های صوری سهام خود را از 7 درصد به 34 درصد در 19 شرکت صنایع هوایی افزایش دادند که چن دتای آنها شرکت های شناخته شده و معتبری هستند. سرانجام ایجاد امکانات برابر برای سرمایه گزاران روسی و خارجی برای مشارکت در خصوصی سازی به علت قدرت مالی بیشتر خارجیها سبب شد که بخش عمده ای از ثروت ملی روسیه به خارج سرازیر شود. سقوط ارزش برابری روبل در مقابل دلار امریکا که در فاصله سالهای 1993 تا 1995 به نصف کاهش یافته بود نیز از جمله دلایل دیگر بود.

مشکلاتی نیز درز مینه تدوین رابطه بین دولت مرکزی و استانها در مورد مدیریت شرکت های خصوصی سازی شده وجود داشت. تقسیم مسئولیت ها و انتخاب نماینده برای هیئت مدیره شرکت های سهامی از جمله آنها بود مقرراتی که برای محدودیت انحصار در بازار داخلی تدوین شده ولی برای رقابت در بازار آزاد بین المللی دست و پاگیر شده بود.

کنترل برای دوران بعد از خصوصی سازی پیش بینی نشده و سیستم حسا بررسی موثری نیز طراحی نشده بود. سازمانی مسئول برای تهیه بودجه مورد نیاز موجود نبود و تمهیداتی نیز برای جلوگیری از توقف تولید کالاهای اساسی نیاندیشیده بودند. اقدام قانونی علیه شرکت‌هایی که پس از خصوصی سازی به تعهدات خود عمل نکرده بودند انجام نشد و عدم وضع مقرراتی برای خرید سهام و مونوپول کردن صنایع به منافع اقتصادی کلان روسیه آسیب رساند. خصوصی سازی به طور اصولی نیاز به توسعه و تصحیح دارد و بخصوص می باید قوانین مربوط به ورشکستگی و حراج داوطلبانه شرکت‌ها برای سرمایه‌گذاری تدوین گردد. بعضی از این نقائص را می توان به سرعت رفع کرد به عنوان مثال می توان قوانین مربوط به اجاره را تدوین نمود. دو روش توسط سازمان اموال دولتی تائید شد تا به ارزیابی میزان اجاره اموال دولتی در تمام کشور اقدام شود. در عین حال در سرتاسر کشور روشهای متعدد دیگری نیز توسط مقامات محلی اعمال شد. حاصل این تشتت در اعمال روش های مختلف این شد که اطمینانی از پرداخت سهم الاجاره نبود و نیز کنترل بر استفاده درست از اموال دولتی عملی نشد.

با هرگونه معیاری ابزار قانونی برای تنظیم مقررات خصوصی سازی در روسیه هنوز بسیار ضعیف است. تجربه های بین المللی نشان می دهد که " خصوصی سازی بدون قوانین مربوط به آن و نیز عدم وجود سیستم قضائی کار آمد راه را بر غارت و فساد اقتصادی می گشاید."

4-2 برآورد اولیه از نتایج خصوصی سازی

هر گونه برآورد قابل قبول از اثرات اقتصادی و اجتماعی خصوصی سازی در روسیه به علت تناقض و ناقص بودن آمارهای رسمی داده شده مشکل است.

آمارهای رسمی تنها شاخص های کمی را عرضه می کند و این شاخص ها قابل استنتاج نیستند به علت اینکه در روند شکل گیری انواع مالکیت، مالکین زیادی قانونا تغییر کرده اند. در حقیقت هیچگونه داده ای برای اینکه بتوان اثرات مثبت تغییر مالکیت را ارزیابی کرد وجود ندارد. مطالب پراکنده ای که در این باره به چاپ رسیده است غالبا با هم در تعارض بوده و از شاخص های مختلف برای مقایسه استفاده شده است، نتایج این مطالعات به علت جانبداری ایدئولوژیکی نویسندگان و یا به کارگیری روشهای سؤال بر انگیز مورد اعتماد نمی باشد.

در روسیه حتی یک مورد مالکیت به نام دولت به ثبت نرسیده و مخصوصا در مورد سهام و دیگر متعلقات دولتی پرونده های تشکیل شده در این موارد به روز نیست و داده های منابع رسمی فدراسیون روسیه در کتاب آمار سالانه قابل اعتماد نیست. تقریبا تخمین زدن نه تنها سهم مالکیت های مختلف در روسیه امکان پذیر نیست بلکه اهمیت سهم بخش خصوصی در اقتصاد نیز روشن نمی شود و به طور رسمی هیچگونه مقایسه ای با شرایط مشابه بین المللی انجام نگرفته است.

1-4-2 ساختار مالکیت

تا اوائل سال 1996 در حدود 120 هزار شرکت خصوصی در روسیه به ثبت رسید. (57 درصد از مجموع). تعداد شرکتهای دولتی و خدمات شهری که خصوصی نشده بودند 90800 بود (43 درصد از مجموع). از این تعداد 37 درصد در مالکیت دولت فدرال و 17 درصد در مالکیت فدراسیون روسیه و 46 درصد در مالکیت شهرداری ها بود. در فاصله بین سالهای 1992-1995 سهمیه افرادی که در بخش غیر دولتی مشغول به کار شدند دو برابر شد و به 62 درصد رسید و سهم این بخش در تولید ناخالص داخلی از 50 درصد به 70 درصد افزایش یافت.

سهم صنایع خصوصی سازی شده در اقتصاد ملی نسبت به سایر واحدهای متعلق به دولت بالاتر است. در سال 1995 سهم شرکتهای بزرگ و متوسط غیر دولتی 73/7 درصد از کل شرکتهای بوده و 84/6 درصد محصولات را تولید می کردند. در مورد شرکت های کوچک سرمایه گذاری مشترک، این ارقام به ترتیب 85 و 79 درصد بود. برای برخی از صنایع زیر مجموعه ای میزان خصوصی سازی بالای 90% بود و در زمینه مهندسی شرکت هایی که بصورت سهامی در آمدند به شرح زیر می باشند:

خودروسازی 92%، ماشین آلات کشاورزی 94/2% ابزار دقیق 85/1%، ابزار سازی 92/7%، ماشین آلات راهسازی 85/3% و صنایع شیمیایی و پتروشیمی 91/9%.

نسبت خصوصی سازی در شرکت های کوچک بطور کلی در مقایسه با اقتصاد ملی بالاتر می باشد بخصوص در زمینه تجارت و خدمات عمومی. سهم شرکت های غیر دولتی در اقتصاد ملی به 96% رسید. در زمینه صنعتی که سهم شرکت های کوچک 14% بود در مجموع

93% آن خصوصی شد. در کشاورزی این نسبتها به ترتیب 1 و 84 درصد بود، در ساختمان سازی 14 و 94 درصد، در حمل و نقل و مخابرات 2 و 95 درصد، در تجارت و خدمات عمومی 14 و 89 درصد، در خانه سازی و خدمات شهری 1 و 90 درصد و در علوم و خدمات علمی 6 و 96 درصد.

سهام دولت در مستغلات بسیار بیشتر از سهم آن در شرکت های دولتی بود. در اوائل سال 1996 دولت 20% از سرمایه صنایع کاغذسازی 15% صنایع متالورژی، 38% ارتباطات، 55% مهندسی 42% استخراج نفت و گاز را در اختیار داشت. این مسئله بخاطر این بود که شرکت های دولتی به صورت سهامی در آمده بودند و بین سالهای 96-92 بیش از 30 هزار شرکت تاسیس شده بود که بین 10 تا 30 درصد آن تحت کنترل دولت باقی مانده بود. هم اکنون بخش عمده مستغلات دولتی در میان شرکت های خصوصی سازی شده تقسیم شده و سهم دولت را در مدیریت این واحدها کاهش داده است. تعداد شرکت های بزرگی که توسط دولت اداره می شوند بسیار کاهش یافته و اکنون تنها 641 شرکت می باشد که تنها در 25% آن ها دولت سهم اثرگذار دارد.

2-4-2 دخالت عموم در خصوصی سازی

در نیمه دوم سال 1992 قبوض خصوصی سازی بصورت مدرکی برای حقوق مالکیت ارائه شد. این قبوض به مردم روسیه تحت شعار "مالکیت مردم" عرضه شد. این قبوض در جایی به ثبت نرسیده بود و مردم مجاز بودند هر گونه معامله ای که می خواهند با آن انجام دهند. آن ها مختار بودند که این قبوض را معاوضه و یا در خیابانها بفروشند، کاری که اکثریت مردم انجام دادند. بیشترین قیمت اسمی این قبوض 30 هزار روبل بود. در زمستان 93-1992 با هر قبض می شد دوازده سهم یا یک بطری ودکا و یا یک وعده غذا در رستوران های مسکو خرید. این عمل توسط بسیاری انجام شد از جمله یکی از نویسندگان این مقاله. این دوره البته اوج خصوصی سازی محسوب می شد بعدها هر قبض به 22 درصد قیمت رسمی به فروش می رسید.

بعضی از متخصصین باور دارند که بازار فروش قبض عملا پائین نگاهداشته شد تا در شرایط تورم بالا از مردم عادی خریداری شده و در اختیار عده بخصوصی قرار گیرد. در حقیقت

همین امر عملاً اتفاق افتاد و بنا بر مطالعه مرکز اموال دولتی در 450 شرکت بزرگ سهامی شده دولتی این بازی تکرار شده بود.

نسبت کارکنان واحدهای مشارکتی که بالای 50% سهام را دارا بودند از 83/2 درصد به 63% سقوط کرد.

نسبت مدیران واحدهائی که بیش از ده درصد سهام را دارا بودند از 9% به 20% افزایش یافت.

نسبت شرکتهای سهامی که سهامداران عمده بیش از ده درصد سهام را دارا بودند به 72% افزایش یافت و این البته شامل سرمایه گزاران خارجی که 51% سهام را دارا بودند می شد

8% شرکتهای سهامی عام در این محدوده قرار داشت.

اگر چه یکی از پی آمدهای اجتماعی خصوصی سازی در روسیه این بود که مقامات بالا از مدیریت واحدها کنار گذاشته شدند ولی با توجه به اینکه تعداد معدودی، سهام های عمده را در اختیار داشتند، مردم نیز نفوذ چندانی در مدیریت نداشتند.

علاوه بر آن سود سهامی که به کارکنان تعلق می گرفت به علت عدم بازدهی و بحران اقتصادی ناچیز بوده و عملاً دردی از آنها را دوا نمی کرد و در بعضی موارد به علت ضرر واحدها اصلاً پرداخت نمی شد. در مواردی که بعضی از واحدها سود جزئی می دادند این سود سهام نیز پرداخت نمی شد و اکثراً این سود را برای سرمایه گزاری یا تقویت مالی کارخانه استفاده کرده و یا برای بازسازی ماشین آلات فرسوده مصرف می نمودند.

در دوره پایانی قبوض خصوصی سازی، مرکز اعتبار سهام خصوصی سازی تاسیس شد تا به طبقات غیر فعال اجتماعی اطمینان لازم را برای دگرگونی در بازار بدهد. در حدود یک سوم از این سهام خصوصی سازی به در آمد بسیار اندک و حتی ضرر انجامید. در آغاز 1994 سود سهام تنها به 136 شرکت از مجموعه 646 شرکت تعلق گرفت.

امید برای آنکه سازمان تجاری غیر دولتی و سرمایه داران خارجی مالکیت واحدهای دولتی را در اختیار بگیرند تحقق نیافت، به استثنای شرکت های مواد اولیه، نیرو و سوخت و برخی از شرکت های بزرگ تجاری سهام عمده شرکت ها به منظور به وجود آمدن بازار سیاه و بدست آوردن سود کلان خریداری می شد، در اینجا باز هم سر کارکنان شرکت ها بی کلاه می ماند. در آغاز خصوصی سازی اکثریت سهام واحدها در اختیار کارکنان و مرکز اعتبار

خصوصی سازی بود . هفتاد و پنج در صد از شرکتهائی که به سهامی عام تبدیل شدند در دوران واگذاری قبوض خصوصی سازی ، 51در صد از سهام آنان در اختیار کارکنان قرار گرفت . این حقیقت است که خصوصی سازی و دادن سهام به کارکنان روش کاری آنان را تغییر داد . در نیمه دوم سال 1994 نسبت یاد شده به 49درصد کاهش یافت و در نیمه دوم سال 1995 این نسبت 45درصد شد .

کارکنان سهامدار و دارندگان قبوض سودهای موقتی دریافت می کردند و در توسعه دراز مدت شرکت ها نقشی نداشتند . این شرکت ها مالکیت موثری نداشتند و سرمایه آنها به صورت اعتبار برای باز خرید سهام به نفع مدیریت شرکتها در آمده بود .

مرحله دوم توزیع هم اکنون در دست اجرا بود و دو هدف عمده را تعقیب می کرد . هدف اول کنار گذاشتن کارکنان از مجموعه سهامداران و تمرکز عمده سهام در انحصار مدیریت و هدف دوم فروش سهام در مقیاس تجاری و ایجاد بازار سیاه برای منفعت بیشتر بود .

باعث تعجب نبود که علیرغم خوش بینی قوه مجریه و نیز بخشی از وسائل ارتباط جمعی اکثریت مردم روسیه نگاه منفی به نتایج خصوصی که خود به اندازه کافی گویا بودند داشتند .

داده های پیشنهادی منابع روسی و متخصصین خارجی در اوج خصوصی سازی بسیار به هم نزدیک هستند . بر اساس نظر سنجی مرکز "همه روسیه" تعداد افرادی که اعتقاد داشتند که

خصوصی سازی برای واحدی که در آن کار می کنند و یا برای خود آنها مفید بوده است به

آرامی کاهش داشته است(26و21درصد در آپریل 93و12و14در صد در دسامبر 1994) بر

طبق نظر سنجی ریچارد دالسون در سال 1994 ، تعداد مردم روسیه که اعتقاد داشتند که

خصوصی سازی به درستی اجرا نشد و یا بهتر بود که اصلا اجرا نمی شد رو به رشد بود

41و13در صد در جون 1991 و 53و15در صد در ژانویه 93و64و22درصد در دسامبر

1993 این نظر سنجی با نظر مردم هم اکنون نیز مشابهت دارد .

این بر آوردها در آینده نزدیک تغییر نخواهد کرد و علت آن اینست که خصوصی سازی نه

تنها حمایت اجتماعی را ارتقا نداده و نهادهای جدید اجتماعی به وجود نیاورده بلکه در حقیقت

در ویرانی این نهادها نیز نقش داشته است . اعتباراتی که قرار بود از محل خصوصی سازی

برای تاسیسات زیر بنائی اجتماعی تامین شود تحقق نیافت . شرکت ها و مقامات محلی که

اعتبار لازم برای نگهداری این تاسیسات را نداشتند آنها را به ثمن بخش وگذار کرده و

مالکین جدید کسب و کار جدیدی در این مکان ها شروع کردند به عنوان مثال سالن ورزشی به نمایشگاه اتومبیل و تاسیسات تولید مواد غذایی ارزان قیمت به کلوب برای ثروتمندان و رستوران و بوتیک و نیز مهد کودک و کالج ها به ساختمان های تجاری و بانکها تبدیل شدند. ورشکستگی و حراج موسسات به کاهش حمایت اجتماعی از مردم منجر شد. به لحاظ ساخت سنتی و عمودی تولید در روسیه، بسته شدن حتی تعداد معدودی از موسسات می تواند پی آمدهای زنجیره ای ویرانگری بر اقتصاد کشور داشته باشد و علت آن اینست که هیچ واحد تولیدی دیگری جایگزین آن نمی شود. از آن مهمتر شرکتهای انحصاری تنها اقدام به استخدام متخصصین منحصر به فردی می کنند که مهارت های آنان معمولا در بازار کار خواستار ندارد.

خصوصی سازی در شهرک های کارگری که به سبک شهرک های مسکونی قرن نوزدهم امریکا و اروپا بر پا شده بود اثرات اجتماعی خاص خود را داشت. به عنوان مثال شهرک کارگری مجتمع نفت و گاز در اورال و غرب سیبری و مجتمع های عظیم متالورژی در " نیکل " " منچه کورسک " یا " نورلیسک " یا مراکز نساجی در قسمت علیای ولگا و یا واحدهای مربوط به صنایع دفاع، در چنین مجتمع هائی کارگران وابستگی کامل به کارفرما دارند و از دست دادن شغل به معنی از دست دادن در آمد و استیصال کامل است.

اکنون مشخص می شود که چرا کارکنان همواره می خواهند در لیست کار فرما باشند. حتی اگر مستمری آنها مرتب پرداخت نشود. شهرک های کارگویی در اتحاد شوروی رفاه اجتماعی و امنیت را برای کارگران تضمین می کردند. اکنون نیز در این شهرک ها واحدهای صنعتی تا حدودی همین رفاه و امنیت را تامین می کنند. ضمن آنکه خود نیز به نوعی وابسته به کارگران می باشند و حمایت مالی دولت از آنها بستگی به تعداد کارکنان مشغول به کار دارد. در نتیجه نه کارکنان و نه کارفرمایان علاقه ای به کاهش تعداد افراد حقوق بگیر داشتند.

اکنون متوجه می شویم که چرا ورشکستگی و بیکاری در روسیه کم است. در حالیکه قاعدتا در دوران خصوصی سازی و باز سازی، طبیعی است که میزان ورشکستگی و بیکاری افزایش یابد. برای رقابت در بازار آزاد، شرکت ها باید از هزینه های رفاهی و یارانه ای رهایی یابند و طبعا برخی از آنها فعالیت را متوقف کرده و بسته می شوند. این موارد در صورتی که شرکت توسط کارکنان خریداری شده، اتفاق نمی افتد. به همین علت است که بسیاری در کارآئی سیستم خصوصی سازی روسیه شک دارند. آنها ادعا می کنند که خرید و

فروش بر روی کاغذ مانند قبوض خصوصی سازی نشان می دهد که رفتار مدیریت اگر سهامداران خارج از محیط کار بودند متفاوت بود . از آنجا که مدیریت بستگی به میزان و ارزش سهام ندارد هیچگونه انگیزه ای باقی نمی ماند. خصوصی سازی قبضی با هیچ ملاکی به موفقیت نیاانجامید و بنا براین هیچگونه اثری در شکوفائی و حتی به وجود آوردن حال و هوای تولید را نداشت.

از یک سو باعث خوشوقتی است که افزایش خصوصی سازی سبب بروز بیکاری نشد و از سوی دیگر با توجه به شواهد غیر مستقیم ، کار آئی آن موردسئوال است. بنا بر داده های رسمی، نرخ بیکاری در مقایسه با کشورهای اروپائی که حدود 9/5در صد بود در سال 1997 در شهرهای بزرگ مانند مسکو و سنت پترزبورگ به ترتیب 4% و 1% بود و حال آنکه در شهرهای کوچک که شرکتها مستقر بودند به 15تا20درصد می رسید. این تفاوت نشان می دهد که پی آمدهای اجتماعی باید با توجه به مشخصات محلی مورد مطالعه قرار گیرد.